

واکاوای تاریخ سینمای پس از انقلاب

باید فیلم ما را «توقیف» کنید!

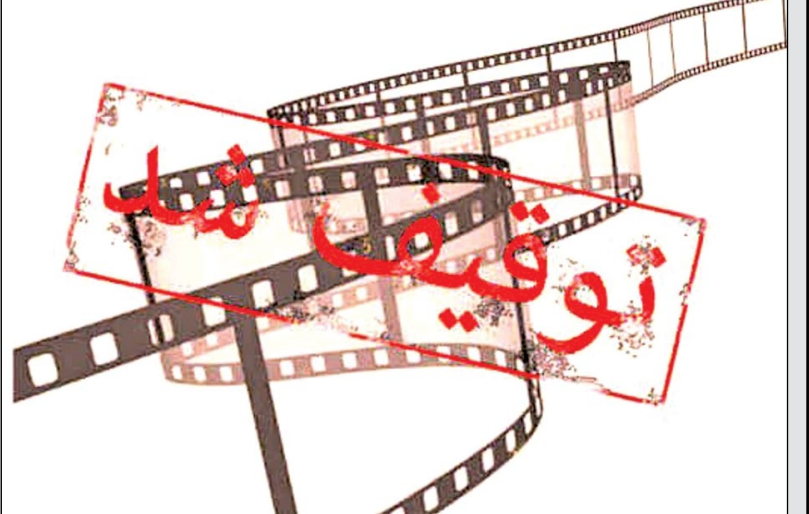
بخش یکصد و چهل و شش

نویسندگانی که انگار «بار به آنها خورده»!

این حکایت تلخ و غم‌انگیز شبه‌فیلمنامه‌ها و شبه‌فیلم‌هایی است که بیشتر نمایشنامه و انشاء و سخنرانی و حتی تئاتر بوده و هستند اما شوربختانه فیلم و سینما نیستند!

ناظرانی که در حد لالیگا با فیلمسازان تعامل می‌کنند!

در این مدت شیخ‌فیلم‌های را دیدیم که علی‌رغم خروارها آهنگ بیست سر اما حتی در حد تصاویر سردستی فیلم‌ها خالصه‌های ۸ سویی ۵۰ و ۶۰ ساله بود. شیخ‌فیلم‌هایی که حتی ساده‌پسندترین مخاطبان را نمی‌پسند. اما نظر غالب این بود که با عدم صدور پروانه نمایش برای این دسته آثار، مهر «توقیف» روی آن خورده و همین مهر برای سازندگانشان که حتی درای هنر و ذوق و سلیقه و دانش و در آشنایی به چشم نمی‌خورد، باعث باد شدن جعلی و فرار و رهایی از هنر و علم و تخصص شده و آنها تا سال‌ها با همین مهر «توقیف»، در داخل و خارج کاسبی نمانیدند. استدلالی که متأسفانه هنوز برپا هر نه نیست.



میمونی که با مهدعلیا اشتباه گرفته شد!

حقیقتاً چنین محصولات سخیف که روی فیلم‌فارسی‌های آنگوستی دوران قبل را سفید کرده، چگونه در دورانی پروانه ساخت گرفتند و چگونه بدون هیچ توضیحی مهر «توقیف» خوردند و باعث گردن‌کشی سازنده آن شدند!

بارها و بارها این موضوع مطرح شد و در اوایل کار واقعا به برخی فیلم‌سازان علی‌رغم فیلمنامه‌های ضعیف و پر آشکال‌شان، اعتماد شد اما متأسفانه پاسخ مناسبی به آن اعتماد ندادند و اثری حتی بدتر از فیلمنامه ارائه شده از کار در آوردند.

یا فیلمنامه‌هایی همچون «مسیح پسر مریم» و «عزیز» و «هتل» و «نقطه ذوب» یا «خدای جنگ» و... که مورد اشکال شورای پروانه ساخت قرار داشتند دلی را تصمیم مدیران سازمان سینمایی یا مؤسسات سینمایی جبهه فرهنگی انقلاب، تولید شده و پرپرده سینماها و صفحه شبکه خانگی و تلویزیون هم رفتند!

هنگامهٔ ارجمین که از آراء می‌رسد، نه‌تنها قلب
می‌بلویند با عاشق حسین (ع) در جهان متوجه کربلا
می‌شود، بلکه بیدارندهٔ غلظیم انسانی، فرهنگ و
معمودِ رخ می‌نماید که هر سال ابعاد تازه‌ای از
خود را به رخ می‌کشد. در این میان، سینما به
عنوان قدرتمندترین رسانهٔ تصویری عصر حاضر،
ظرفیتی بی‌پای برای ثبت، انتقال و تعمیق این
حاجه دارد. اما پرسش اینجاست که آیا سینمایی
ما توانسته است به درستی این اقیانوس بی‌کران را
در قاب خود جای دهد؟ آیا تنها به بازمانی‌های
آرمانی اکتفا کرده‌ایم یا گاهی رو به جلو در روایت
چهرانی از رویکرد بازمانی‌ها و آرمانی‌ها؟

بازمانی‌های واقعیت یا روایت آرمانی؟

آنچه تاکنون از ارجمین در قالب فیلم و مستند
دیدهایم، اغلب تلاشی مستودنی برای به تصویر
کشیدن شکوه و عظمت این پیاده‌روی بوده است.
صحنه‌هایی از خیل جمعیت، موب‌های پرپر، و
ایثار و همدلی زائران، تصویری آشنا برای مخاطب
ایرانی است. اما واقعیت ارجمین تنها در این کلیات
خلاصه نمی‌شود. ارجمین، روایت می‌بلویند با انسان
با داستان‌های فردی است؛ از پیغمردی که سال‌ها
پس‌انداز کرده تا خود را به این سفر برساند، تا
جوانی که برای اولین بار طعم این معنویت را
می‌چشد. از زناهی که با کودکان خود در این
راه قدم برمی‌دارند تا مردانی که با تمام وجود به
زائران خدمت می‌کنند و... از همه مهم‌تر، یکدلی
امت اسلامی در مسیر به عشق امام حسین (ع).

بازنمایی واقعیت یا روایت آرمانی؟

آنچه تاکنون از ارجمین در قالب فیلم و مستند دیده‌ایم، اغلب تلاشی مستودنی برای به تصویر کشیدن شکوه و عظمت این پیاده‌روی بوده است. صحنه‌هایی از خیل محبت، مو بهای پیر، و پیر، و اینار و همدلی زائران، تصویری آشنا برای مخاطب ایرانی است. اما واقعیت ارجمین تنها در این کلیات خلاصه نمی‌شود. ارجمین، روایت میلیون‌ها انسان با داستان‌های فردی است؛ از پیمردی که سال‌ها پنداز کرده تا خود را به این سفر رسانده، تا جوانی که برای اولین بار طعم این معنویت را می‌چشد. از زناهی که با کودکان خود در این راه قدم می‌زند تا مردانی که با تمام وجود به زائران خدمت می‌کنند و... از همه مهم‌تر، یکدلی امت اسلامی در مسیر به عشق امام حسین(ع).

پس از آنکه حملات ۱۲ روزه دشمنان ایران دیگر به بهای جان چهره‌هایی از جبهه علم و ش تمام شد، رادیو اقتصاد با بخش مستندی شیده سکوت به‌جامانده از این فقدان‌ها را با دایی تازه پر کند؛ مستندی با عنوان «روایت باور» که تلاش دارد با بهره‌گیری از ظرفیت انانای صدا، صدای ایستادگی علمی ایران را گوش مخاطبان برساند.

این مستند رادیویی که هر هفته شب‌ها ساعت ۱۴ از گروه کارآفرینی و کسب‌وکار رادیو اقتصاد پخش می‌شود، نگاهی ژرف به زندگی و مسیر علم‌دانشمندان هسته‌ای دارد که در جریان حملات ۱۷ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران در راه استقلال علمی کشور جان خود را فدا کردند. «روایت یک باور» صرفاً بزرگداشت و مرثیه‌ای برای شهدا نیست، بلکه کوششی است برای بازخوانی اندیشه، آرمان و باور آنها؛ نه‌ای که به میانه فشار، تحریم‌ها و تهدیدها با جان و دل پای کار ایستادند.

به گفته ظاهره جولانی، مدیر گروه کارآفرینی و کسب و کار رادیو اقتصاد، این برنامه با محوریت گرامیداشت نام و راه شهدای هسته‌ای، به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اخیر طراحی شده و شامل روایت‌هایی مستند

زنگ مجازی

رسانه ها و تسهیل کننده تمدن

عزیزالله محمد

اما متأسفانه سیمینا داستانی ما هنوز در زمینه کار جدی و قابل توجه نکرده است. سیمینا باید جرات کند و به زوایای زیرین این حماسه ورود یابد. باید چالشی باشد، سختی، حتی لحظات تأمل برانگیز درونی را زائران را به تصویر بکشد. نمایش خستگی‌های جسمی که شوق روح جبران می‌شود، یا لحظات سکوت و فکرت در زعم معرفت نشود، می‌گیرد، می‌تواند تصویری بسیار واقعی و ملموس‌تر از اربعین را بدهد. هرچیز از نگاه صرفاً گزارش‌ری و ورود به ساختار داستانی با محوریت انسان، می‌تواند اربعین را یک زند کربا، صرفاً به تجربه زیسته تبدیل و مفاهیم مخابر جهانی نیز قابل درک و همذات‌پنداری باشد. متأسفانه، بخش عمده‌ای از تولیدشده، با وجود نیت پاک، نتوانسته‌اند از

◆ ◆ ◆



نیز بازتاب می‌دهد. این پرداخت انسانی به زندگی شهدا، سبب شده شنونده نه با چهره‌هایی دور و نزدیکان شهداست.

آنچه این برنامه را متمایز می‌کند، لحن صمیمی و روایت‌محور آن است. این مستندها نه تنها به ابعاد فنی و تخصصی دستاوردهای شهدا می‌پردازد، بلکه زندگی روزمره، باورهای شخصی و نوع نگاه آنها به مسئولیت ملی و پیشرفت علمی را



جنگ ترکیبی

روایتگران ولایت ژئوپلیٹیک

ی. (امتدادجو) ▶

[illegible]

تولوزیونی با کیفیت جهانی درباره ارجمین، در تقابله با حجم و اهمیت این رویداد، بسیار مناسب است. گویی ما هنوز بیشتر برای مخاطب داخلی تولید می کنیم و دغدغه ای برای «ترجمه» این حماسه به زبان جهانی سینما نداریم. تولید اثری که بتواند بدون نیاز به پیش زمینه مذهبی، پیام مهدی، ائمه و مقاومت ارجمین را به مخاطب غیرمسلمان منتقل کند، نیازمند هوشمندی، پیروزی و پژوهش عمیق و نگاهی فراملی است. این به معنای کنار گذاشتن وجه معنوی نیست، بلکه یعنی یافتن نقاط مشترک انسانی که همه بشریت قادر به درک آن باشند.

از سوی دیگر، چالش های نظیر مشکلات تولید در فضای میدانی ارجمین، پیچیدگی های فنی و مالی، و فقدان فیلمنامه های قدرتمند که

دای هسته‌ای

سمیه احمدی
محمد مهدی طهرانچی، شهید دکتر فریدون عباسی
و شهید دکتر سید امیر حسین فقهی پرداخته است؛
چهره‌هایی که هر کدام نماد بخشی از تلاش‌ها و
مجاهدات‌های علمی کشورند و هر سه در جریان
جنگ ۱۲ روزه به دست رژیم غاصب اسرائیل به
شهادت رسیدند.

یکی دیگر از نکات مثبت و قابل توجه این برنامه این است که از صدای واقعی خود شهدا، وصیت‌نامه‌ها و مستندات صوتی مرتبط با ترور آنها استفاده شده که مستند را از حیث روایتگری و تأثیر گذاری برجسته می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های جالب توجه این برنامه، روایت مستقیم خانواده‌ها، همکاران و هم‌راهان علمی شهیداست. این شیوه موجب شده شنونده با لایه‌های پنهان‌تر شخصیت علمی و اخلاقی این افراد آشنا شود و درکی ملموس‌تر از مسیر زندگی آنها بدست‌آورد. باور به تئوساتر، داخلی، اعتماد به سرمایه انسانی کشور و تلاش برای خوداتکایی علمی از محورهای کلیدی این روایت‌هاست.

WS فارسی

ایران»، محلات را در چارچوب «مقابله با تروریسم» بازتعریف می کردند. من و تو در برنامه‌ای مدعی شد: «اسرائیل با تئیت نجات مردم ایران حمله کرد»^۳ - سانسور و توقیف کتاب: ایران - تلویزر صابیت موشک‌های ایرانی به پایگاه ناوتیم را حذف و ادعا می کردند «۹۹ موشک‌ها هبگری شدند»^۴ - خیمه و حداث ملی: با بزرگنمایی در موضوعات ادای احترام و انتشار تحلیل‌هایی مانند «جامعه ایران دچار تشتت است»، تلاش کردند ایده «شورش سراسری» را دامن بزنند.

۴. تقسیم کار استراتژیک: پلیس خوب و پلیس بد ایران/تیشتر نشنال به عنوان «پلیس بد» یا احن «پلیس خوب» - تولید محتوای جعلی، و مشروعه یی بخشی به کشتار غیرنظامیان، فضای ترس و یاس را تقویت می کرد.

۵. بی بی سی فارسی به عنوان «پلیس خوب»؛ با ظاهر حرفه‌ای و تحلیلی، می کوشید اعتماد مخاطبان را جلب کند تا روایت‌های جهت‌دارش را بپذیرند. در گزارش‌های خود مدعی «طرفی» بود، اما در عمل «همانگنی محتوایی» هر دو شبکه در مواردی مانند «دیده گرفتن نقش آمریکا در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، تمرکز بر اختلافات داخلی ایران» همسو عمل می کردند.

۵- آسیب‌شناسی مشترک و پیامدها

- شکاف در جامعه ایرانی: همه این شبکه‌ها با تکیه بر اختلافات قومی، سیاسی، تلاش می‌کنند انسجام ملی را تضعیف کنند، برای مثال، من و تو ادعا کرد: «مردم کردستان از حمله اسرائیل استقبال کردند»

- انکسار مردم ایران: موجی از پوشش‌های مردمی ضد این رسانه‌ها (مثل بی بی سی - دروگو نشان داد بخشی از افکار عمومی که مخاطب آن‌هاست، جابجایی آنها را تشویق دادند.

- دست دامن اعتبار: ایران/تیشتر نشنال با نقض خاصش بی طرفی، این از سوی رسانه‌های غربی (مثل گاردین) نیز مورد انتقاد قرار گرفت و خیلی از افراد با اصطلاح آپوزیسیون تمناش این شبکه را تحریک کردند و مردم حقیقت وجودی و ماهیتی این شبکه را آشکارا متوجه شدند.

بتوانند حماسه‌ای چون اربعین را به درستی روایت کنند، از جمله موانع جدی بر سر راه «سینمای اربعین» است.

در نهایت، سیمینای ما برای ایفای رسالت خود در قبال اربعمین، نیازمند یک جهش کیفی و راهبردی است. جهشی که از نگاه صرفاً آرمانی به بازمانده‌های دقیق‌تر و انسان‌تری برسد، و از نگاه صرفاً داخلی به رویایی‌های تأثیرگذار دست یابد. اربعمین یک زرادخانه دارماتیک بی‌انتهای تمام‌نشدنی است که اگر با نگاهی عمیق، هنری و فراملی به آن پرداخته شود، می‌تواند نه‌تنها تاریخ را ثبت کند، بلکه تصویری متفاوت و تأثیرگذار از حقیقت اسلام و تشیع را به دنیا بخواباند. این سه‌مولیت خطرری است که سیمینای ما معتمد باید بیش از پیش به آن بیندیشد.

مستند «روایت یک باور» توانسته با بهره‌گیری از فرم شنیداری، از قاب کلیشه‌ای فاصله بگیرد و به روایتی عمیق و تأثیرگذار از مقاومت علمی تبدیل شود. رسانه‌ای که گاهی متهم به سطحی‌نگری و تکرار قالب‌های رایج است، این بار نشان داده می‌تواند با تکیه بر اسناد معتبر و روایت‌های اصل، اثری ماندگار تولید کند.

با این حال، می‌توان پیشنهادهایی نیز برای ارتقای این مستند قدم‌برد کرد. افزودن بخش‌هایی تحلیلی در پایان هر قسمت با هدف تشریح علمی دستاوردهای پایان به زبان ساده می‌تواند جنبه آموزشی برنامه را تقویت کند. همچنین حضور صدای شاعران و نسل‌های مختلف، به‌ویژه در بخش‌های نمایش و شعر، می‌تواند پلی میان نسل گذشته و آینده بسازد و پیام برنامه را گسترده‌تر منتقل کند.

در نهایت اینکه «روایت یک باور» تنها یک مستند رادیویی نیست؛ تجلی صدایی است که در تاریخ معاصر ایران باقی خواهد ماند؛ صدایی از استبداد، دانش، وطن‌دوستی و امید به آینده. صدایی که اگرچه صاحبان آن دیگر در میان ما نیستند، اما گوش‌شان زنده است؛ باوری که می‌توان و باید ادامه‌اش داد.

نتیجه گیری: جنگ روایت‌ها به مثابه میدان نبرد
این شبکه‌ها در یک تقسیم کار هماهنگ،
کوشیدند:

۱. مشروعیت نظام ایران را تحریک کنند.
۲. حمله اسرائیل را عادی‌سازی نمایند.
۳. روحیه مقاومت در مردم ایران را تضعیف کنند.

اما داده‌ها نشان می‌دهد روایت‌سازی رسانه‌های
حلی ایران و هوشیاری افکار عمومی، انگرزاری
رسانه‌ها را محدود و کم‌اثر و در برخی موارد به
عرف‌اشی بیاثر کرد.

۶ حرف‌های برای آینده:

اقتدار رسانه‌ها به مثابه قدرت نرم: تجربه این
جنگ ثابت کرد که رسانه‌های منطقی می‌توانند با
غیر کارگزاران هوشمند (مانند تمرکز الجزیره
ساز) معادلات سیاسی را تغییر دهند. تحلیل‌ها
نشان می‌دهد پوشش رسانه‌های قطری موجب
زیایش ۳۰ درصد اعتراضات ضداسرائیلی در
شورای عربی شد.

ضرورت هوشیاری فرماندهان: (تاکید برای
نخستین بار) ضعف ایران در ایجاد شبکه‌های خبری
مهریزبان، زمینه تسلط رسانه‌های اسرائیلی بر افکار
عمومی فلسطینیان را فراهم می‌کند.

پیشنهادهای کارشناسان: سرمایه‌گذاری بر
تقویم‌های دیجیتال چندرسانه (مانند News ۱۲۴
رائیل)

نقش تعیین کننده فناوری: به‌کارگیری هوش
مصنوعی برای شناسایی اخبار جعلی به عنوان
هکار آینده مورد تأکید کارشناسان رسانه در
پایان نبرد است.

با عنایت به آنچه برشمرده شد می‌توان گفت:
رسانه‌های منطقی در جنگ ۱۲ روزه، تسهیلگران
حوالات ژئوپلیتیک بودند که در یکسو تلاش
ای تقویت گفتمان مقاومت (المبایین) بود و
سوی دیگر سعی بر عادی‌سازی روابط اعراب
(اسرائیل) (عربی) با این همه مسلم و مبرهن
ست که آینده میدان نبرد رسانه‌ای در گرو خلق
سامانه‌های روایت‌ساز مستقل است که مرزهای
حریف را با «اعتمادسازی مبتنی بر واقعیت» در
پی می‌کنند.